

تحلیل حمله رژیم صهیونیستی به صداوسیما در پرتو حقوق بشر دوستانه

حامد شهبازی^۱، محمد صالح مفتاح^۲

چکیده

حمله نظامی به زیرساخت‌های غیرنظامی، به‌ویژه نهادهای رسانه‌ای، از چالش‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق عرفی است. این مقاله با تمرکز بر حمله رژیم صهیونیستی به سازمان صداوسیما، ابعاد حقوقی چنین اقداماتی را بررسی کرده است. هدف اصلی پژوهش، تحلیل مشروعیت این حملات از منظر حقوق بین‌الملل، با در نظر گرفتن اصول تمایز، تناسب و ضرورت نظامی است. این مسئله از آن رو حائز اهمیت است که هدف قرار دادن رسانه‌ها، جریان آزاد اطلاعات را مختل کرده و ثبات جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و استناد به معاهدات بین‌المللی (نظیر کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی)، قطعنامه‌های شورای امنیت و رویه قضایی، به ارزیابی حقوقی این اقدامات پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد حملات هدفمند به زیرساخت‌های رسانه‌ای غیرنظامی، مگر در موارد استثنایی و با رعایت دقیق اصول تناسب و صرفاً در صورت تبدیل مستقیم و اثبات‌پذیر به هدف نظامی، نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌گردد. شواهد موجود از حمله به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۴، که منجر به شهادت دو تن از کارکنان سازمان، یک راننده و مجروح شدن تعدادی از کارکنان غیرنظامی و تخریب گسترده استودیوی پخش زنده شد، حاکی از نبود چنین شرایطی است. این پژوهش بر مسئولیت بین‌المللی دولت مهاجم تأکید می‌کند. در نهایت، بر اساس تحلیل موردی حمله به صداوسیما، پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای برای تقویت چارچوب‌های حمایتی ارائه می‌شود؛ از جمله تقویت دیده‌بانی رسانه‌ای و حقوق بشری، فعال‌سازی دیپلماسی رسانه‌ای برای آگاهی‌بخشی جهانی، ایجاد صندوق‌های بین‌المللی برای بازسازی زیرساخت‌های رسانه‌ای و توسعه پروتکل‌های امنیتی برای خبرنگاران در مناطق درگیری. این تدابیر برای تضمین مصونیت خبرنگاران و نهادهای رسانه‌ای، به‌عنوان ستون‌های اطلاع‌رسانی و شفافیت، حیاتی هستند.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حمله نظامی، زیرساخت رسانه‌ای، سازمان صداوسیما، مسئولیت بین‌المللی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

Doi: 10.22034/imrl.2025.540234.1330

۱. دکترای روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hnsahbazibzi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
meftah@ut.ac.ir



مقدمه

درگیری‌های مسلحانه معاصر، بیش از هر زمان دیگری، با پیچیدگی‌های فزاینده‌ای در تعریف و تفکیک میان اهداف نظامی^۱ و غیرنظامی^۲ مواجه هستند. با گسترش فناوری و نقش پررنگ اطلاعات در جنگ‌های نوین، زیرساخت‌های غیرنظامی، از جمله نهادهای رسانه‌ای، گاه به ابزارهایی در منازعات تبدیل شده و خود هدف حملات نظامی قرار می‌گیرند. این تحول، پرسش‌های بنیادین و چالش‌های حقوقی عمیقی را در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۳ و حقوق بین‌الملل عرفی^۴ مطرح می‌سازد. سازمان صداوسیما، به‌عنوان نهاد رسانه‌ای رسمی جمهوری اسلامی ایران، که در پوشش تحولات داخلی، بحران‌های منطقه‌ای و اطلاع‌رسانی نقش کلیدی ایفا می‌کند، در اواخر خرداد ماه ۱۴۰۴ هدف حمله نظامی رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این حمله، صرف‌نظر از انگیزه‌های سیاسی یا نظامی، ابعاد حقوقی پیچیده‌ای دارد که نیازمند بررسی دقیق از منظر قواعد و اصول حاکم بر مخاصمات مسلحانه است. نهادهای رسانه‌ای در هر جامعه‌ای نقش حیاتی در اطلاع‌رسانی عمومی، آگاهی‌بخشی و حفظ آرامش و نظم اجتماعی ایفا می‌کنند. آن‌ها با فراهم آوردن بستری برای تبادل اطلاعات و دیدگاه‌ها، ستون‌های دموکراسی و شفافیت محسوب می‌شوند. هدف قرار دادن این نهادها، نه تنها به زیرساخت‌های فیزیکی آسیب می‌رساند، بلکه جریان آزاد اطلاعات را مختل کرده و می‌تواند تأثیرات مخربی بر روحیه عمومی و ثبات جامعه داشته باشد. از این رو، اهمیت و ضرورت بررسی حقوقی چنین اقداماتی برای تضمین رعایت اصول انسانیت^۵ و قانون‌مداری^۶ در زمان جنگ، دوچندان می‌شود.

این پژوهش با هدف تحلیل مشروعیت حمله به سازمان صداوسیما، به‌عنوان نمونه‌ای از حملات به نهادهای رسانه‌ای در زمان جنگ، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه انجام شده است. برای این منظور، ابتدا به مبانی نظری و چارچوب‌های حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه پرداخته می‌شود. سپس، با تبیین روش‌شناسی تحقیق، به تحلیل حقوقی حمله مذکور و انطباق آن با اصول حقوق بین‌الملل می‌پردازیم. در آخر نیز، ضمن جمع‌بندی یافته‌ها، پیشنهادهای عملی و رسانه‌ای برای تقویت چارچوب‌های حمایتی از نهادهای رسانه‌ای در زمان جنگ ارائه می‌گردد.

1. Military Targets
2. Civilian Targets
3. International Humanitarian Law
4. Customary International Law
5. Principles of Humanity
6. Rule of Law



هدف اصلی این پژوهش، تحلیل مشروعیت یا عدم مشروعیت حمله رژیم صهیونیستی به سازمان صداوسیما از منظر حقوق بین‌الملل، با در نظر گرفتن اصول بنیادین تمایز، تناسب و ضرورت نظامی است. این تحلیل به دنبال تبیین چارچوب‌های حقوقی حاکم بر حملات به نهادهای رسانه‌ای و شناسایی مسئولیت‌های بین‌المللی ناشی از نقض این اصول است. با توجه به ملاحظات فوق و ابهامات جدی حقوقی در خصوص تطبیق قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه با حملات نوین به نهادهای رسانه‌ای، پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا حمله رژیم صهیونیستی به سازمان صداوسیما، از منظر حقوق بین‌الملل، به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مشروع بوده و اصول تمایز، تناسب و ضرورت نظامی در آن رعایت شده است یا خیر؟ بر اساس مبانی نظری و شواهد اولیه، فرضیه اصلی بر این اصل استوار است که حمله به سازمان صداوسیما، به‌عنوان یک نهاد رسانه‌ای کاملاً غیرنظامی، نقض آشکار اصل تمایز و اصل تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این اقدام مسئولیت بین‌المللی مهاجم را در پی خواهد داشت، زیرا شواهد مستندی دال بر مشارکت مستقیم و مؤثر آن در عملیات نظامی و یا رعایت اصول تناسب ارائه نشده است.

۱. پیشینه پژوهش

حمایت از غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه، یکی از ارکان بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. در این راستا، پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف این حوزه پرداخته‌اند که در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱. پژوهش‌های مرتبط با توسعه تاریخی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حمایت از غیرنظامیان

بنیان‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه نوین، بر پایه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹^۱ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷^۲ استوار است. پروتکل اول الحاقی^۳ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، که مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی^۴ است، به‌ویژه در تبیین اصول

1. Four Geneva Conventions of 1949
2. Additional Protocols of 1977
3. Additional Protocol I
4. Protection of Victims of International Armed

حمایت از غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی نقشی محوری دارد. مواد ۴۸ تا ۵۸ این پروتکل، به‌طور خاص به این موضوع می‌پردازند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۸۷). اصل اساسی در اینجا، اصل تمایز است که در ماده ۴۸ پروتکل اول بیان شده و مقرر می‌دارد: «به‌منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت‌های غیرنظامی و اهداف غیرنظامی، طرفین درگیر باید همواره بین جمعیت غیرنظامی و مبارزان^۲ و بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند و بنابراین، عملیات خود را فقط علیه اهداف نظامی هدایت کنند.» این اصل، که به‌صورت گسترده‌ای به‌عنوان یک قاعده عرفی^۳ پذیرفته شده است، یکی از ارکان اصلی حقوق مخاصمات مسلحانه^۴ محسوب می‌شود (هنکارتس و دوسوالد-بک، ۲۰۰۵: قاعده ۱).^۵

در این زمینه، دینستاین^۶ (۲۰۱۶) در کتاب خود با عنوان «حقوق جنگ» به بررسی تحولات تاریخی حقوق بین‌الملل بشردوستانه از اواسط قرن نوزدهم و تصویب کنوانسیون‌های ژنو و لاهه می‌پردازد. یافته اصلی این پژوهش، توسعه تدریجی این قواعد و نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است. این نوشتار تصویری جامع از سیر تحول تاریخی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ارائه می‌دهد اما کمتر به چالش‌های مدرن و مصادیق نقض‌ها می‌پردازد. همچنین، مطالعاتی نظیر آنچه توسط ساسولی^۷ (۲۰۲۴) با عنوان «حقوق بین‌الملل بشردوستانه: قواعد، مناقشات و راه‌حل‌های مشکلات ناشی از جنگ» و نیز آکانده و شانی^۸ (۲۰۲۲) انجام شده است، بر اهمیت تمایز قائل شدن بین انواع مخاصمات مسلحانه و تأثیر آن بر سطح حفاظت از غیرنظامیان تأکید دارند. این پژوهش‌ها با وجود اهمیت بنیادین در تبیین قواعد، کمتر به جزئیات حقوقی حملات خاص به زیرساخت‌ها می‌پردازند. به همین ترتیب، هاشمی شاهرودی و میرزاامرجی (۱۴۰۳) نیز در یک مطالعه تطبیقی، اهمیت تمایز قائل شدن بین انواع مخاصمات مسلحانه و تأثیر آن بر سطح حفاظت از غیرنظامیان را برجسته می‌کنند که هرچند رویکردی بومی دارد، اما از ورود به تحلیل حقوقی عمیق مصادیق خاص باز می‌ماند. چینکین و کالدور^۹ (۲۰۲۰) در مقاله خود تحت

-
1. ICRC (International Committee of the Red Cross)
 2. Combatants
 3. Customary Rule
 4. Law of Armed Conflict (LOAC)
 5. Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck
 6. Yoram Dinstein
 7. Sassòli
 8. Akande and Shany
 9. Chinkin and Kaldor



عنوان «حمایت از غیرنظامیان در جنگ‌های شهری: چالش‌ها و نوآوری‌ها» به چالش‌های پیاده‌سازی این اصل در جنگ‌های شهری مدرن تأکید می‌کنند که با وجود پرداختن به چالش‌های عملی، تمرکز کمتری بر مکانیسم‌های پاسخگویی و مسئولیت دولت‌ها^۱ دارد. در همین راستا، شریفی طرازکوهی و همکاران (۱۴۰۱) نیز به بررسی چالش‌ها و راهکارهای اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مواجهه با تسلیحات نوین نظامی (مانند پهپادها و سلاح‌های هوشمند) و تأثیر آن بر مسئولیت دولت‌ها پرداخته‌اند که رویکردی ارزشمند در بعد فناورانه دارد اما به‌طور مستقیم به حملات به نهادهای رسانه‌ای نمی‌پردازد. علاوه بر این، محمدرضائی و همکاران (۱۳۹۹) رویکرد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را برای حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مورد تحلیل قرار داده‌اند که از منظر تلفیق این دو حوزه دارای اهمیت است، اما فاقد بررسی موردی در زمینه رسانه‌هاست.

۲-۱. پژوهش‌های مرتبط با حمایت از خبرنگاران و نهادهای رسانه‌ای در حقوق بین‌الملل

پژوهش‌های متعددی به ابعاد حقوقی حمایت از خبرنگاران در مخاصمات مسلحانه پرداخته و بر اهمیت نقش آنان در اطلاع‌رسانی تأکید کرده‌اند (دالساندر^۲، ۲۰۲۲؛ ۲۳۰-۲۳۵؛ دو فروویل^۳، ۲۰۲۲؛ ۱۲۸۰-۱۲۸۵). ولر^۴ (۲۰۲۲) در مقاله خود «جایگاه فعالان رسانه‌ای در درگیری‌های مسلحانه: بازنگری در حمایت حقوقی طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، به‌طور جامع به وضعیت حقوقی و بازتعریف حفاظت از متخصصان رسانه‌ای در حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌پردازد و بر اهمیت نقش اطلاع‌رسانی آن‌ها تأکید می‌کند که رویکردی ارزشمند در بازنگری مفاهیم دارد. قطعنامه ۱۷۳۸ (۲۰۰۶) شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز قویاً حملات عمدی علیه خبرنگاران، کارکنان رسانه‌ای و پرسنل مرتبط در شرایط درگیری‌های مسلحانه را محکوم می‌کند و طرفین درگیر را ملزم به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مورد آن‌ها می‌داند (شورای امنیت سازمان ملل متحد^۵، ۲۰۰۶؛ پاراگراف ۳). با این حال، این قطعنامه‌ها با وجود اهمیت سیاسی، فاقد ضمانت اجرایی حقوقی مستقیم و قوی برای پیگیری موارد خاص نقض

1. State Responsibility
2. D'Alessandro
3. De Frouville
4. Weller
5. United Nations Security Council (UNSC)

هستند. بران (۱۴۰۴) در مقاله تحلیلی خود با عنوان «بررسی عملکرد صداوسیما در جنگ ۱۲ روزه: چالش‌ها، دستاوردها و راهکارهای بهبود»، عملکرد رسانه‌ای کشور را در مواجهه با بحران مورد بررسی قرار داده و تصریح کرده است که رسانه‌ها در شرایط جنگی باید با ارتقای سطح اعتبارسنجی و انسجام در روایت‌سازی به همبستگی اجتماعی کمک کنند؛ اما این پژوهش بیشتر جنبه‌های عملیاتی و عملکرد رسانه‌ای را پوشش می‌دهد تا تحلیل حقوقی حملات وارده بر آن‌ها. در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل بر مصونیت اهداف غیرنظامی است؛ لذا نهادهای رسانه‌ای و ساختمان‌های آن‌ها نیز به‌عنوان اهداف غیرنظامی، از حمایتی معادل با سایر اماکن غیرنظامی (مانند مدارس و بیمارستان‌ها) برخوردارند. بر این اساس، ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول^۱ (۱۹۷۷) اهداف غیرنظامی را تعریف کرده و با صراحت تأکید می‌کند که این اماکن نباید مورد حمله یا اقدامات تلافی‌جویانه قرار گیرند. طبق این مقرر، تنها زمانی که یک هدف غیرنظامی در اثر استفاده یا ماهیت خود به یک «هدف نظامی» تبدیل شود، مصونیت آن زایل گشته و می‌تواند به‌طور مشروع هدف حمله قرار گیرد. این حفاظت، انعکاسی از اصل گسترده‌تر حفاظت از اموال غیرنظامی است (ساسولی، ۲۰۲۴: ۲۸۰). پژوهش‌های متعددی در زمینه چالش‌ها و ابعاد حقوقی حملات سایبری به زیرساخت‌های غیرنظامی در مشخصات مسلحانه صورت گرفته است. جعفری و اسدی (۱۳۹۷) به اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ‌های سایبری و چالش‌های تطبیق آن با حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی پرداخته‌اند. مطالعاتی هم، به‌طور خاص اصل تفکیک و ممنوعیت توسل به زور^۲ را در حملات سایبری بررسی کرده‌اند (صادقی و عربیان، ۱۴۰۱: ۷۳-۸۶). همچنین، کاستی‌ها و خلاءهای حقوقی در اعمال قواعد حقوق مشخصات مسلحانه در مواجهه با حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی^۳ نیز مورد تحلیل قرار گرفته است (خسروآبادی، ۱۴۰۱: ۷۲-۵۵). این دسته از تحقیقات، اگرچه در حوزه خود مهم هستند، اما به‌طور مستقیم به حملات فیزیکی و موشکی به ساختمان‌های رسانه‌ای نمی‌پردازند. نعمت‌پور و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود «مقابله با حملات تروریستی به زیرساخت‌های حیاتی یک کشور در قواعد حقوق بین‌الملل» نشان داده‌اند که حملات سازمان‌یافته، حتی اگر در چارچوب درگیری‌های مسلحانه رخ دهند، با اصول بنیادین بشردوستانه جهانی در تضاد هستند

-
1. Additional Protocol I (API) to the Geneva Conventions
 2. Prohibition on the Use of Force
 3. Critical Civilian Infrastructure



که به طور کلی عدم مشروعیت^۱ حملات به زیرساخت‌های حیاتی را تأیید می‌کند. رومانو^۲ (۲۰۲۴) در مقاله «جنگ سایبری و مرزهای اخلاقی: ارتقای درگیری به خط مقدم دیجیتال در منازعات جهانی»، استدلال می‌کند که نهادهای رسانه‌ای تنها در شرایط بسیار محدود و با اثبات مشارکت مستقیم در عملیات نظامی می‌توانند هدف قرار گیرند.

۳-۱. تمایز و نوآوری پژوهش حاضر

پژوهش‌های پیشین، اگرچه به طور پراکنده و از زوایای گوناگون به اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حمایت از غیرنظامیان و تا حدی خبرنگاران پرداخته‌اند، اما نقاط ضعف مشخصی در مواجهه با ابعاد خاص حمله به نهادهای رسانه‌ای دارند. برای مثال، مطالعاتی نظیر آنچه توسط دینستاین (۲۰۱۶)، ساسولی (۲۰۲۴) و آکانده و شانی (۲۰۲۲) انجام شده، بیشتر به تبیین اصول کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و پیچیدگی‌های طبقه‌بندی مخاصمات می‌پردازند و پایه‌های نظری محکمی را ارائه می‌دهند، اما کمتر به چالش‌های عملی و مصادیق خاص نقض‌ها در مورد نهادهای رسانه‌ای پرداخته‌اند. همچنین، پژوهش‌هایی مانند کار چینکین و کالدور (۲۰۲۰) و شریفی طرازکوهی و همکاران (۱۴۰۱)، اگرچه به پیچیدگی‌های اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ‌های شهری و مواجهه با تسلیحات نوین می‌پردازند، اما تمرکز اصلی آن‌ها بر بعد فیزیکی و مستقیم حملات به نهادهای رسانه‌ای نیست و بیشتر جنبه‌های فناورانه یا عملیاتی را بررسی می‌کنند. به همین ترتیب، تحقیقاتی که به ابعاد حقوقی حملات سایبری (نظیر جعفری و اسدی، ۱۳۹۷؛ صادقی و عربیان، ۱۴۰۱؛ و خسروآبادی، ۱۴۰۱) پرداخته‌اند، با وجود روشنگری در حوزه خود، مستقیماً به تحلیل حملات فیزیکی به زیرساخت‌های رسانه‌ای نمی‌پردازند. علاوه بر این، مطالعاتی نظیر ببران (۱۴۰۴) که به عملکرد رسانه‌های ملی در بحران‌ها اشاره دارند، بیشتر بر بعد عملکردی و نقش رسانه‌ها تمرکز کرده‌اند تا تحلیل حقوقی حملات وارده بر آن‌ها، که این خود یک خلاء تحقیقاتی را نشان می‌دهد.

نوآوری مقاله حاضر در این است که با مطالعه موردی حمله رژیم صهیونیستی به سازمان صداوسیما، یک نهاد رسانه‌ای با اهمیت ملی و نقش حیاتی در اطلاع‌رسانی، به تحلیل حقوقی دقیق و موشکافانه می‌پردازد. این پژوهش نه تنها به تبیین اصول تمایز و تناسب در این مورد خاص می‌پردازد، بلکه با استناد به شواهد عینی (نظیر قطع پخش زنده و هویت شهدا)، به‌طور

1. Illegitimacy
2. Cesare Romano



مستدل، نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مسئولیت بین‌المللی مهاجم را اثبات می‌کند. تمرکز بر «استفاده دوگانه»^۱ در مورد نهادهای رسانه‌ای و چالش‌های اثبات آن در یک مورد عملی، به غنای ادبیات می‌افزاید. علاوه بر این، ارائه پیشنهادهاى کاربردی و رسانه‌ای برای تقویت حفاظت از این نهادها در آینده، به بعد عملی این تحقیق می‌افزاید که کمتر در پژوهش‌های صرفاً حقوقی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری

در این پژوهش، تحلیل حقوقی حملات به سازمان صداوسیما بر پایه اصول و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه استوار است. این شاخه از حقوق بین‌الملل، که به آن حقوق مخاصمات مسلحانه^۲ نیز گفته می‌شود، دلایل شروع جنگ^۳ را ارائه نمی‌دهد، بلکه چگونگی رفتار در زمان درگیری مسلحانه را، فارغ از مشروعیت آغاز آن، تعیین می‌کند (دینستاین^۴، ۲۰۱۶: ۱۰). نظریه زیربنایی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر پایه تعادل ظریف میان دو اصل اساسی است:

– **اصل ضرورت نظامی**^۵: این اصل اجازه می‌دهد تا اقداماتی در جنگ صورت گیرد که برای تضعیف ظرفیت نظامی دشمن و دستیابی به اهداف مشروع نظامی، ضروری و متناسب باشند. با این حال، این اصل هرگز نمی‌تواند توجیهی برای نقض اصول بنیادین انسانیت یا حقوق بین‌الملل باشد (ملزر، ۲۰۱۶: ۶۵).

– **اصل انسانیت**^۶: این اصل درصدد به حداقل رساندن رنج و خشونت در جنگ و حفاظت از کسانی است که مستقیماً در خصومت‌ها شرکت ندارند (غیرنظامیان) یا دیگر قادر به جنگیدن نیستند (مجروحان، اسیران جنگی) (ساسولی، ۲۰۲۴: ۷۰).

این دو اصل به‌طور دائمی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حال تعامل و ایجاد محدودیت برای یکدیگر هستند. چارچوب نظری این پژوهش، به‌طور خاص بر اصول مشتق‌شده و کلیدی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه متمرکز است که به‌طور مستقیم بر مشروعیت هدف قرار دادن اهداف غیرنظامی، از جمله نهادهای رسانه‌ای، تأثیر می‌گذارند:

1. Dual-Use
2. Law of Armed Conflict (LOAC)
3. Jus Ad Bellum (Right to go to war)
4. Dinstein
5. Principle of Military Necessity
6. Principle of Humanity

۲-۱. اصل تمایز^۱

در حمله به ساختمان صداوسیما، هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر استفاده نظامی از این مرکز ارائه نشده است؛ بنابراین، از منظر اصل تمایز، این حمله فاقد مشروعیت حقوقی بوده و می‌تواند مصداق جنایت جنگی تلقی شود. اصل تمایز شاید مهم‌ترین اصل در حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد. این اصل محوری، که در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول تجلی یافته است، تصریح می‌کند که در هر زمان، طرفین درگیر باید بین «جمعیت غیرنظامی و مبارزان» و «اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی» تمایز قائل شوند و تنها علیه اهداف نظامی عملیات خود را هدایت کنند. تخطی از این اصل، نه تنها نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، بلکه می‌تواند به جنایت جنگی^۲ منجر شود (داهال^۳، ۲۰۲۱: ۳-۵؛ دیوان کیفری بین‌المللی، ۲۰۰۲: ماده ۸). این اصل، سنگ بنای حفاظت از غیرنظامیان و اموال آن‌ها در جنگ است و در قواعد عرفی حقوق بین‌الملل^۴ نیز جایگاه تثبیت شده‌ای دارد (هنکارتس و دوسوالد-بک، ۲۰۰۵: قاعده ۱؛ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۳۹۰: جلد ۱: ۳). مورگان و کوهن^۵ (۲۰۲۰: ۳۳-۳۶) در تحلیل خود از مفهوم هدف نظامی، بر اهمیت روزافزون این اصل در مواجهه با چالش‌های نوین جنگ‌های معاصر تأکید می‌کنند. همچنین، چینکین و کالدور^۶ (۲۰۲۰) در مقاله خود «حقوق بشر دوستانه بین‌المللی: قواعد، مناقشات و راه‌حل‌های مشکلات ناشی از جنگ» به چالش‌های پیاده‌سازی این اصل در جنگ‌های شهری مدرن تأکید دارند، جایی که تمایز میان اهداف به مراتب دشوارتر است.

مطابق ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول، اهداف نظامی تنها آن دسته از اهدافی هستند که: الف) به لحاظ ماهیت، موقعیت، هدف یا استفاده، سهم مؤثری در عملیات نظامی ایفا می‌کنند. ب) انهدام کامل یا جزئی، تسخیر یا بی‌اثر کردن آن‌ها در آن زمان مزیت نظامی قطعی فراهم می‌آورد. این تعریف، بار سنگینی را بر دوش طرف حمله‌کننده می‌گذارد تا مشروعیت هدف را اثبات کند (ساسولی، ۲۰۲۴: ۲۹۰). صرف ادعای کلی یا شک و تردید در مورد ماهیت یک هدف، آن را به هدف نظامی تبدیل نمی‌کند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۸۷: پاراگراف ۲۰۰۰). تفسیر موسع از «هدف نظامی» که شامل هرگونه ابزار تأثیرگذار در «نبرد افکار» یا «جنگ نرم»

1. Principle of Distinction
2. War Crime
3. Dahal
4. Customary International Law
5. Forrest E. Morgan and Raphael S. Cohen
6. Chinkin and Kaldor



باشد، مغایر با روح و متن حقوق بین‌الملل بشردوستانه است (ملزر^۱، ۲۰۱۶: ۲۵۰). نهادهای رسانه‌ای، به خودی خود، غیرنظامی هستند و صرف پخش برنامه‌های دولتی یا اخبار، آن‌ها را به اهداف نظامی تبدیل نمی‌کند. برای اینکه صدوسیما هدف نظامی شود، باید شواهد عینی و قابل اثباتی وجود داشته باشد که نشان دهد مثلاً از آن به‌عنوان مرکز فرماندهی نظامی، مرکز جاسوسی نظامی، یا برای انتقال دستورهای عملیاتی نظامی استفاده می‌شود.

۲-۲. اصل تناسب^۲

حتی اگر فرض کنیم یک هدف، نظامی و مشروع است، اصل تناسب (ماده ۵۱ (۵) (ب) پروتکل الحاقی اول) همچنان باید رعایت شود. این اصل، حملاتی را که «انتظار می‌رود تلفات غیرنظامی یا خسارات به اهداف غیرنظامی بیش از حد مزیت نظامی مورد انتظار از آن حمله باشد»، ممنوع می‌کند. این بدین معناست که حتی در صورت وجود مزیت نظامی، اگر تخریب یک ساختمان غیرنظامی مانند سازمان صدوسیما منجر به تلفات بالای غیرنظامیان یا خسارات گسترده به زیرساخت‌های حیاتی (مثل قطع گسترده برق یا آب در منطقه) شود، این حمله غیرقانونی است. با توجه به شهادت دو تن از کارکنان غیرنظامی و یک راننده، مجروح شدن تعدادی از کارکنان و تخریب گسترده مرکز پخش زنده ساختمان شیشه‌ای صدوسیما، مزیت نظامی احتمالی این حمله به هیچ‌وجه با خسارات وارده قابل مقایسه نیست و اصل تناسب نقض شده است. ارزیابی تناسب باید بر اساس اطلاعات موجود برای فرمانده در زمان حمله صورت گیرد و شامل سنجش دقیق مزیت نظامی در مقابل ریسک آسیب به غیرنظامیان و اموال آن‌ها است (دینستاین، ۲۰۱۶: ۱۶۰). این اصل یک قاعده عرفی نیز محسوب می‌شود (هنکارتس و دوسوالد-بک، ۲۰۰۵: قاعده ۱۴). رابرتز^۳ (۲۰۲۲) در بررسی‌های خود از حملات اخیر در مناطق درگیری، تأکید دارد که ارزیابی تناسب باید بسیار سخت‌گیرانه باشد تا از تلفات غیرنظامی جلوگیری شود.

۲-۳. اقدامات احتیاطی در حمله

پروتکل الحاقی اول، در مواد ۵۷ و ۵۸، الزامات مربوط به اقدامات احتیاطی در حمله را تبیین می‌کند. این اقدامات برای به حداقل رساندن تلفات غیرنظامی و خسارات به اماکن غیرنظامی

1. Melzer
2. Principle of Proportionality
3. Roberts

طراحی شده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۸۷؛ پاراگراف ۲۲۰۰؛ دینستاین، ۲۰۱۶: ۱۸۰):

- انجام هرگونه اقدام ممکن برای تأیید اینکه اهداف مورد حمله، اهداف نظامی هستند و نه اهداف غیرنظامی.

- انتخاب روش‌ها و ابزارهای حمله که بتواند از تلفات غیرنظامی یا خسارت به اهداف غیرنظامی جلوگیری کرده یا آن را به حداقل برساند.

- هشدار مؤثر^۱ به غیرنظامیان قبل از حملاتی که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی تأثیر بگذارد، مگر اینکه شرایط این امر را اجازه ندهد (ماده ۵۷ (۲) (ج) پروتکل الحاقی اول). این هشدار باید به گونه‌ای باشد که غیرنظامیان فرصت کافی برای فرار یا پناه گرفتن داشته باشند.

- لغو یا تعلیق حمله در صورتی که مشخص شود هدف، غیرنظامی است یا حمله با اصل تناسب مطابقت ندارد.

این اقدامات احتیاطی به‌عنوان قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به رسمیت شناخته شده‌اند و الزام‌آور هستند (هنکارتس و دوسوالد-بک، ۲۰۰۵: قاعده ۱۵). گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۲۳ پیرامون حفاظت از اهداف غیرنظامی در جنگ‌های شهری، به‌طور خاص بر اهمیت رعایت دقیق اقدامات احتیاطی و لزوم بازنگری فرماندهان در تصمیمات حمله تأکید دارد.

این اصول، در کنار مفهوم مسئولیت بین‌المللی دولت که در صورت نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها ایجاد می‌شود (کرافورد^۲، ۲۰۰۲: ۲۵)، مبانی نظری کاملی را برای ارزیابی مشروعیت حملات به نهادهای رسانه‌ای مانند سازمان صداوسیما فراهم می‌آورند. تحلیل این پژوهش، با تکیه بر مفاهیم حقوقی معتبر بین‌المللی، به بررسی انطباق حمله رژیم صهیونیستی به سازمان صداوسیما با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌پردازد.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این رویکرد، پس از توصیف مسئله و تبیین ابعاد آن، تحلیل حقوقی مبتنی بر بررسی اسناد، قواعد و دکترین معتبر حقوق بین‌الملل انجام می‌شود. اگر جامعه پژوهش را مجموعه نمونه‌های قابل مطالعه تلقی

1. Effective Warning
2. Crawford

کنیم، جامعه پژوهش در این مقاله شامل مجموعه‌ای از اسناد و منابع معتبر حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که در ارتباط مستقیم با موضوع تحقیق قرار دارند؛ از جمله معاهدات و پروتکل‌های بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، رویه قضایی دیوان‌های بین‌المللی (نظیر دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی) و دیدگاه‌های دکترین حقوقی معتبر. منابع مورد بررسی (نمونه پژوهش) به صورت هدفمند انتخاب شده و شامل اسناد محوری و شاخص، از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، گزارش‌ها و تفاسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت سازمان ملل متحد است. شیوه انتخاب منابع مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند و معیارهایی چون اعتبار حقوقی، ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش و نقش اسناد در تبیین قواعد عرفی و قراردادی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر تحلیل حقوقی کیفی^۱ است که در آن، قواعد و اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر شواهد و واقعیات مربوط به حمله به سازمان صداوسیما اعمال شده و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن‌ها مورد قضاوت قرار می‌گیرد. این تحلیل شامل تفسیر دقیق متون حقوقی و تطبیق آن‌ها با موارد عملی است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تفصیلی این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که حملات هدفمند به زیرساخت‌های رسانه‌ای غیرنظامی، مانند سازمان صداوسیما، مگر در موارد استثنایی و بسیار محدودی که بتوانند به طور مستقیم، مؤثر و قابل اثبات به اهداف نظامی تبدیل شوند و با رعایت دقیق اصول تناسب صورت گیرند، نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌گردند.

این حمله در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ (۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی) و در ساعات اداری عصر (ساعت ۳۵:۱۸) و در حالی که شبکه‌های مختلف این سازمان در حال پخش زنده برنامه‌های خبری و تحلیلی بودند، صورت گرفت. شدت حمله به حدی بود که علاوه بر تخریب بخش‌های وسیعی از ساختمان مرکزی صداوسیما یعنی ساختمان شیشه‌ای، منجر به قطع پخش آنتن چندین شبکه شد. هویت قربانیان (یک خبرنگار، یک کارمند اداری و یک راننده)، مجروح شدن شماری از کارکنان و ماهیت فعالیتشان به وضوح غیرنظامی بودن هدف را تأیید می‌کند. ادعاهای طرف مهاجم مبنی بر حضور عناصر نظامی در این مکان، نه در بیانیه رسمی منتشرشده توسط ارتش



اسرائیل و نه در گزارش‌های رسانه‌ای بین‌المللی مانند رویترز و نیویورک‌تایمز، با مدارک مستند و قابل بررسی همراه نبوده است.

۳. تحلیل حقوقی حمله بر اساس اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه

۳-۱. بررسی رعایت اصل تمایز

در هر حمله نظامی بار اثبات بر عهده مهاجم است. در مورد حمله به صداوسیما، مهاجم نه تنها نتوانسته است شواهد قانع‌کننده‌ای دال بر تبدیل این مرکز به یک «هدف نظامی» (مطابق تعریف ماده ۵۲ (۲) پروتکل اول) ارائه دهد، بلکه وقایع عینی مانند زمان حمله (ساعات کاری)، ماهیت قربانیان (خبرنگار، کارمند اداری و راننده)، و فعالیت جاری مجموعه (پخش زنده خبر) همگی گواهی بر غیرنظامی بودن آن هستند. این امر نقض اصل تمایز را آشکار می‌سازد (ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول؛ هنکارتس و دوسوالد-بک، ۲۰۰۵: قاعده ۱). هدف قرار دادن مستقیم یک ساختمان رسانه‌ای غیرنظامی، مشابه حمله ناتو به رادیو و تلویزیون صربستان در یوگسلاوی (۱۹۹۹)، که در گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب سازمان ملل به‌عنوان نقض اصل تمایز مطرح شد، می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی تلقی شود. (دیوان کیفری بین‌المللی، ۲۰۰۲: ماده ۸). بار اثبات^۱ نظامی بودن هدف، به‌طور کامل بر عهده طرف حمله‌کننده است که در این مورد به نظر می‌رسد هیچ ادعای مستندی جز اتهامات مبهم و غیرحقوقی ارائه نشود (ساسولی، ۲۰۲۴: ۲۹۵؛ رومانو، ۲۰۲۳-۲۵۲).

۳-۲. بررسی رعایت اصل تناسب

برای احراز تناسب، باید «مزیت نظامی قطعی» ناشی از انهدام این هدف به دقت سنجیده شود. ادعای مهاجم مبنی بر هدف قرار دادن «یک مرکز تبلیغاتی» به هیچ وجه نمی‌تواند توجیه‌کننده خسارات گسترده به یک زیرساخت حیاتی ارتباطی، قطع پخش برنامه‌ها، و مهم‌تر از همه، کشته شدن شهروندان غیرنظامی باشد (ماده ۵۱ (۵) (ب) پروتکل الحاقی اول). حتی در بدبینانه‌ترین فرض، مزیت نظامی حاصل از بین بردن یک مرکز رسانه‌ای به‌هیچ‌وجه با این سطح از خسارت جانی و مالی «متناسب» نیست (دینستاین، ۲۰۱۶: ۱۶۵؛ رابرتز، ۲۰۲۲: ۴۰).

۳-۳. بررسی رعایت اقدامات احتیاطی

نبود گزارش‌های مستقل یا اعتراف خود مهاجم مبنی بر ارسال هشدارهای استاندارد (مثلاً تماس تلفنی یا پرتاب نشریه هشدار) به این ساختمان مشخص پیش از حمله، نقض ماده ۵۷ (۲) (ج) پروتکل اول را محرز می‌سازد. این امر به‌ویژه با در نظر گرفتن شناسایی آسان این هدف به‌عنوان یک مرکز غیرنظامی و حضور پررنگ غیرنظامیان در آن، قصور مهاجم در رعایت اقدامات احتیاطی را نشان می‌دهد (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۰۵: قاعده ۱۵؛ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۲۳: ۲۰). عدم رعایت اقدامات احتیاطی لازم نیز خود به‌عنوان نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود (ملزر، ۲۰۱۶: ۲۷۵).

در مجموع، حمله به ساختمان شیشه‌ای سازمان صداوسیما در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۴، با توجه به ماهیت غیرنظامی هدف (یک نهاد خبری در حال پخش زنده)، تلفات جانی (شهادت دو کارمند و یک راننده) و مجروح شدن شماری از کارکنان، و گستردگی خسارات، یک نمونه بارز از نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ارتکاب احتمالی جنایت جنگی است. این اقدام، آزادی بیان و اطلاع‌رسانی را هدف قرار داده و مصونیت نهادهای رسانه‌ای را زیر سؤال می‌برد (ولر، ۲۰۲۲: ۲۵).

۳-۴. مسئولیت بین‌المللی دولت

در صورت احراز نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مسئولیت بین‌المللی دولت آغاز می‌شود. چارچوب اصلی برای این موضوع، «طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی»^۱ است که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد تهیه شده و به‌عنوان یک متن مقتدر در حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است (کراوورد، ۲۰۰۲: ۱۰؛ ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۳: ۴۲۸-۴۲۵).

۳-۴-۱. عناصر مسئولیت بین‌المللی

مسئولیت بین‌المللی دولت هنگامی محقق می‌شود که؛

الف) یک عمل یا ترک فعل متخلفانه بین‌المللی^۲ رخ داده باشد؛ یعنی عملی که نقض یک تعهد بین‌المللی^۱ دولت محسوب شود (مانند نقض اصول تمایز و تناسب در حقوق بین‌الملل

1. Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts

2. Internationally Wrongful Act or Omission



بشردوستانه). در مورد حملات به سازمان صداوسیما، اگر این حملات به هدف غیرنظامی صورت گرفته یا با عدم رعایت تناسب انجام شده باشد، نقض تعهدات قراردادی^۲ (پروتکل الحاقی اول) و عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه محسوب می شود (ابراهیم گل، ۱۴۰۳: ۱۵-۳۵).

(ب) آن عمل یا ترک فعل قابل انتساب به دولت باشد: یعنی توسط ارگان‌ها یا اشخاصی که تحت کنترل یا دستور دولت عمل می کنند، انجام شده باشد (کمیسیون حقوق بین الملل، ۲۰۰۱: مواد ۴-۱۱). حملات نظامی توسط نیروهای مسلح یک دولت، به وضوح قابل انتساب به آن دولت هستند و در این مورد، هرگونه حمله انجام شده توسط نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی، مستقیماً به آن رژیم منتسب می شود.

۲-۴-۳. تبعات مسئولیت بین المللی

- در صورت احراز مسئولیت، دولت متخلف موظف به:
- توقف عمل متخلفانه؛ توقف فوری هرگونه حمله غیرقانونی در آینده.
 - ارائه تضمین‌های عدم تکرار: تعهد به عدم تکرار چنین اقداماتی در آینده و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از آن‌ها.
 - جبران خسارت: این مهمترین تبعات مسئولیت است و هدف آن جبران کامل خسارت وارده به قربانیان و دولت آسیب دیده است. جبران خسارت می تواند اشکال مختلفی داشته باشد (کمیسیون حقوق بین الملل، ۲۰۰۱: ماده ۳۴).
 - بازگرداندن به وضع سابق: ترمیم و بازسازی خسارات وارده به ساختمان و تجهیزات، در صورتی که از نظر مادی و حقوقی امکان پذیر باشد (مثلاً بازسازی ساختمان‌های تخریب شده).
 - جبران مادی: پرداخت غرامت نقدی (مشابه آنچه در پرونده حمله به بیمارستان قندوز افغانستان توسط نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۵ انجام شد)، برای خسارات غیرقابل جبران، تلفات جانی (به ویژه برای شهادت نیما رجب پور و معصومه عظیمی)، جراحات جسمی و روحی، خسارات مالی (هزینه بازسازی غیرمستقیم، خسارات به تجهیزات الکترونیکی و آرشوها)، و آسیب به اعتبار. این شامل جبران خسارت به قربانیان (کارکنان صداوسیما) و خانواده‌های آن‌ها نیز می شود.

- جلب رضایت زیان دیده: مثلاً عذرخواهی رسمی از دولت و مردم ایران، شناسایی علنی و رسمی نقض قواعد بین‌المللی، یا انجام تحقیقات مستقل و شفاف برای رسیدگی به تخلفات و شناسایی مسئولان. این شکل از جبران خسارت برای آسیب‌های غیرمادی است.

۵-۳. مکانیسم‌های پاسخگویی و جبران خسارت^۱

پیگیری مسئولیت بین‌المللی در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه در مورد حملات به نهادهای غیرنظامی، از طریق مکانیسم‌های مختلفی امکان‌پذیر است.

۱-۵-۳. مراجع قضایی بین‌المللی

- **دیوان بین‌المللی دادگستری**^۲: این دیوان، مرجع اصلی قضایی سازمان ملل متحد است. صلاحیت آن مبتنی بر رضایت دولت‌هاست^۳. اگر ایران و رژیم صهیونیستی هر دو رضایت خود را برای ارجاع پرونده به دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کنند، یا اگر معاهده‌ای وجود داشته باشد که هر دو طرف به آن ملحق و صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را پیش‌بینی کند، امکان طرح دعوا وجود دارد. ایران می‌تواند به نقض تعهدات بین‌المللی رژیم صهیونیستی در قبال حقوق بین‌الملل بشردوستانه استناد کند (دینستاین، ۲۰۱۶: ۲۱۰).

- **دیوان کیفری بین‌المللی**^۴: این دیوان صلاحیت رسیدگی به جنایات جنگی^۵، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت تجاوز را دارد. حمله عمدی به اهداف غیرنظامی (ماده ۸ اساسنامه رم^۶، بخش ۲، بند ب، زیربند دوم) یک جنایت جنگی محسوب می‌شود. چالش اصلی در اینجا این است که رژیم صهیونیستی عضو اساسنامه رم نیست. با این حال، با توجه به اینکه حمله به سازمان صداوسیما در خاک ایران صورت گرفته و ایران عضو اساسنامه رم نیست، امکان اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی تنها در صورت ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت وجود دارد. این موضوع نیازمند بررسی دقیق‌تر جغرافیایی و حقوقی است و می‌تواند پیچیدگی‌های مربوط به «صلاحیت سرزمینی»^۷ را مطرح سازد (میلانوویچ، ۲۰۲۰: ۱۲۰).

1. Mechanisms of Accountability and Reparation
2. International Court of Justice (ICJ)
3. Jurisdiction Based on State Consent
4. International Criminal Court (ICC)
5. Jurisdiction over War Crimes
6. Rome Statute
7. Territorial Jurisdiction



۲-۵-۳. مراجع حقوق بشری و منطقه‌ای

در کنار حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ممکن است نقض حقوق بشر (مانند حق حیات، حق آزادی بیان) نیز مطرح باشد. اگرچه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه دو حوزه متفاوت هستند، اما در برخی موارد همپوشانی دارند. مراجع حقوق بشری سازمان ملل (مانند شورای حقوق بشر^۱) یا کمیته‌های معاهدات^۲ مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ می‌توانند به این نقض‌ها رسیدگی کنند، هرچند نتایج آن‌ها غالباً توصیه‌ای و غیرالزام‌آور است. این مراجع می‌توانند با صدور گزارش‌ها و توصیه‌ها، فشار بین‌المللی بر دولت‌ها را افزایش دهند (سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر، ۲۰۲۴: ۵).

۳-۵-۳. مراجع داخلی

در برخی کشورها، بر اساس اصل صلاحیت جهانی^۴، دادگاه‌های ملی می‌توانند به جنایات جنگی، صرف‌نظر از تابعیت مرتکب یا محل وقوع جرم، رسیدگی کنند. این اصل به ویژه برای مبارزه با مصونیت از مجازات^۵ در مورد جرایم بین‌المللی مهم است. قربانیان حمله به صداوسیما، از جمله خانواده‌های شهدا نیما رجب‌پور (سردبیر) و معصومه عظیمی (کارمند دبیرخانه) و صلاح‌الدین بوسلیک (راننده)، ممکن است حق طرح دعوای جبران خسارت در دادگاه‌های داخلی یا خارجی را داشته باشند، هرچند این مسیرها اغلب با چالش‌های حقوقی و سیاسی مواجه هستند (ساسولی، ۲۰۲۴: ۴۵۰).

۴-۵-۳. سازمان‌های بین‌المللی و دیپلماسی

- شورای امنیت سازمان ملل متحد: این شورا صلاحیت صدور قطعنامه، اعمال تحریم، و حتی ارجاع وضعیت به دیوان بین‌المللی دادگستری را دارد. با این حال، حق وتوی اعضای دائم (مانند آمریکا که معمولاً متحد رژیم صهیونیستی است) می‌تواند مانع از اقدامات قاطعانه در موارد حساس شود. با این حال، حتی بحث در شورا و عدم موفقیت در تصویب قطعنامه نیز می‌تواند اهمیت سیاسی داشته باشد و به ایجاد فشار بین‌المللی کمک کند.

1. UN Human Rights Council
2. Treaty Bodies
3. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)
4. Principle of Universal Jurisdiction
5. Impunity

- **مجمع عمومی سازمان ملل متحد:** مجمع عمومی می‌تواند قطعنامه‌های غیرالزام‌آور صادر کند که دارای وزن سیاسی و اخلاقی بالایی هستند و افکار عمومی بین‌المللی را بسیج می‌کنند. این قطعنامه‌ها، اگرچه الزام‌آور نیستند، اما می‌توانند مبنایی برای فشارهای دیپلماتیک و ایجاد اجماع بین‌المللی باشند.
- **سازمان‌های تخصصی:** سازمان‌هایی مانند یونسکو، که وظیفه حفاظت از فرهنگ، آموزش و ارتباطات را دارند، می‌توانند نقش مهمی در محکومیت حملات به رسانه‌ها ایفا کنند و گزارش‌های تخصصی در این زمینه ارائه دهند.
- **گزارش‌دهی و مستندسازی:** نقش سازمان‌های غیردولتی مانند عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، کمیته حفاظت از خبرنگاران و گزارشگران بدون مرز در جمع‌آوری شواهد، مستندسازی نقض‌ها و انتشار گزارش‌های عمومی، بسیار حیاتی است. این گزارش‌ها می‌توانند مبنای فشار سیاسی و افکار عمومی بر دولت‌ها قرار گیرند و به‌عنوان منابع اطلاعاتی برای مراجع قضایی بین‌المللی نیز عمل کنند (گزارشگران بدون مرز، ۲۰۲۰: ۱۵؛ کمیته حفاظت از خبرنگاران، ۲۰۲۲: ۸).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی حقوقی حمله رژیم صهیونیستی به سازمان صداوسیما از منظر حقوق بین‌الملل، به ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پرداخت. تحلیل دقیق اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از جمله اصول تمایز، تناسب، ضرورت نظامی، و اقدامات احتیاطی در حمله، نشان می‌دهد که حمایت از نهادهای رسانه‌ای و کارکنان آن‌ها در زمان مناسبات مسلحانه، یک اصل اساسی و غیرقابل چشم‌پوشی است (ملزر، ۲۰۱۶: ۱۵).

همانطور که فرضیه اصلی پژوهش پیش‌بینی می‌کرد، یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که حمله به سازمان صداوسیما، به‌عنوان یک نهاد رسانه‌ای کاملاً غیرنظامی، نمونه بارزی از نقض اصل تمایز و اصل تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و مسئولیت بین‌المللی دولت مهاجم را در پی خواهد داشت (واتکین، ۲۰۲۱: ۲۳۵). هیچ شواهد مستندی دال بر مشارکت مستقیم و مؤثر این نهاد در عملیات نظامی ارائه نشده است که بتواند آن را به یک هدف مشروع تبدیل کند (رومانو، ۲۰۲۴: ۲۳۱-۲۵۲). حمله به ساختمان شیشه‌ای سازمان صداوسیما در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ (۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی)، با توجه به ماهیت غیرنظامی این نهاد خبری (در



حال پخش زنده اخبار بودن)، آتش‌سوزی گسترده و به ویژه شهادت دو نفر از کارمندان (نیما رجب‌پور و معصومه عظیمی) و یک راننده (صلاح‌الدین بوسلیک) و مجروح شدن شماری از کارمندان، این نقض‌ها را تأیید می‌کند. حتی در صورت ادعای استفاده دوگانه و تبدیل به هدف نظامی که با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه سازگار نیست اصل تناسب نیز به‌طور فاحشی نقض شده است. تحمیل تلفات غیرنظامی و خسارات گسترده به اموال غیرنظامی، به‌هیچ‌وجه متناسب با هرگونه مزیت نظامی ادعایی نخواهد بود. این حمله، از نظر شدت و گستره (مشابه حمله ناتو به رادیو و تلویزیون صربستان در یوگسلاوی)، فراتر از هرگونه ضرورت نظامی مشروع است و زیان‌های غیرنظامی آن به وضوح از مزیت نظامی (در صورت وجود) فراتر رفته است (رابرتز، ۲۰۲۲: ۴۵). این اقدام، آزادی بیان و اطلاع‌رسانی را هدف قرار داده و مصونیت نهادهای رسانه‌ای را زیر سؤال می‌برد.

مسئولیت بین‌المللی در قبال این نقض‌ها، ایجاب می‌کند که مکانیسم‌های پاسخگویی و جبران خسارت به‌طور جدی پیگیری شوند (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۳: ۴۲۸-۴۲۵؛ ابراهیم‌گل، ۱۴۰۳: ۱۵-۳۵). جامعه بین‌الملل، همراه با نهادهای رسانه‌ای، سازمان‌های حقوق بشری و افکار عمومی جهانی، باید با قاطعیت در برابر چنین تخلفاتی ایستادگی کند.

یافته‌های این پژوهش، ضرورت‌های زیر را برای تقویت چارچوب‌های حقوقی و مکانیسم‌های پاسخگویی بین‌المللی نمایان می‌سازد:

- لزوم تدوین اسناد تفسیری دقیق‌تر: جامعه بین‌الملل و سازمان‌های ذی‌صلاح مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و یونسکو باید اسناد تفسیری یا دستورالعمل‌های عملیاتی دقیق‌تری را تدوین کنند که به وضوح مفهوم «هدف نظامی» در مورد نهادهای رسانه‌ای را تبیین کرده و خطوط قرمز را برای جلوگیری از سوءاستفاده از مفهوم «استفاده دوگانه»^۱ ترسیم نمایند. این اسناد می‌توانند به‌عنوان راهنمای عمل برای فرماندهان نظامی و مراجع قضایی بین‌المللی عمل کنند.

- تأکید بر اجرای قطعنامه‌های موجود: اعضای سازمان ملل متحد باید بر اجرای دقیق قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی که بر حمایت از خبرنگاران و نهادهای رسانه‌ای تأکید دارند (مانند قطعنامه ۱۷۳۸ (۲۰۰۶) شورای امنیت)، اصرار ورزند و مکانیسم‌های نظارتی برای اجرای آن‌ها را تقویت کنند.

- اهمیت آموزش و آگاهی‌بخشی: دولت‌ها باید برنامه‌های آموزش جامع و مستمری را برای نیروهای نظامی خود در خصوص الزامات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه در مورد حفاظت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی (شامل نهادهای رسانه‌ای)، اجرا کنند. این آموزش‌ها باید شامل پیامدهای حقوقی و جنایی نقض این قوانین نیز باشد و بر اهمیت رعایت اصول تمایز، تناسب و احتیاط تأکید کند. همچنین، خبرنگاران و کارکنان رسانه نیز باید از حقوق و حمایت‌های قانونی خود در مناطق درگیری آگاه باشند، آموزش‌های لازم را برای حفظ ایمنی خود ببینند و ابزارهای شناسایی به همراه داشته باشند.
- ضرورت مستندسازی و تحقیقات مستقل: سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای حقوق بشری و دولت‌ها باید به‌طور فعالانه به جمع‌آوری، مستندسازی و حفظ شواهد مربوط به حملات به نهادهای رسانه‌ای بپردازند. این شواهد برای پیگیری‌های حقوقی و احراز مسئولیت ضروری هستند و باید به صورت نظام‌مند و با رعایت استانداردهای بین‌المللی گردآوری شوند. انجام تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه در مورد هرگونه حمله به نهادهای رسانه‌ای توسط گروه‌های تخصصی یا هیئت‌های حقیقت‌یاب بین‌المللی، می‌تواند به شفافیت و پاسخگویی کمک کند و از سیاسی‌شدن موضوع بکاهد.
- چالش‌های پیگیری حقوقی و دیپلماتیک: با وجود عدم به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی توسط ایران، اقامه دعوی مستقیم و موفقیت‌آمیز علیه دولت رژیم صهیونیستی در دیوان‌هایی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری بعید به نظر می‌رسد، چرا که صلاحیت این دیوان بر اساس رضایت دولت‌هاست. اما ایران قطعاً می‌تواند و باید این حمله را در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی دیگر مانند شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مطرح کند. این نهادها برای افشای نقض حقوق بین‌الملل، اعمال فشار دیپلماتیک و سیاسی، درخواست تحقیق مستقل، و محکومیت حملات به اهداف غیرنظامی بسیار مناسب هستند. همچنین، در خصوص دیوان کیفری بین‌المللی، گرچه ایران و رژیم صهیونیستی عضو آن نیستند، اما اگر شورای امنیت پرونده را ارجاع دهد یا تحقیقات فعلی دیوان در مورد وضعیت فلسطین (در صورت ارتباط غیرمستقیم یا گسترش صلاحیت) شامل این حمله شود، می‌تواند مسیری برای پیگرد افراد مسئول فراهم کند.
- حمایت از مراجع قضایی و مکانیسم‌های جبران خسارت: دولت‌ها باید از صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری حمایت کنند تا بتوانند به



پرونده‌های نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از جمله حملات به رسانه‌ها، رسیدگی کنند و عدالت را برای قربانیان تضمین نمایند. ایجاد و تسهیل دسترسی قربانیان حملات به نهادهای رسانه‌ای به مکانیسم‌های ملی و بین‌المللی برای جبران خسارت، بسیار حیاتی است. این شامل ایجاد صندوق‌های جبران خسارت یا تسهیل فرآیندهای حقوقی برای طرح دعوا، به‌ویژه برای خانواده‌های شهدا و کارکنان آسیب‌دیده، می‌شود. در نهایت، جامعه بین‌الملل باید از ابزارهای دیپلماتیک و سیاسی برای اعمال فشار بر دولت‌هایی که متهم به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند، استفاده کند تا آن‌ها را وادار به رعایت قوانین و پاسخگویی نماید.

پیشنهاد‌های کاربردی - رسانه‌ای

با توجه به یافته‌های این پژوهش و ضرورت حفاظت از نهادهای رسانه‌ای در مخاصمات مسلحانه، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌گردد:

- **تقویت دیده‌بانی رسانه‌ای و حقوق بشری:** در حمله به سازمان صداوسیما، فقدان مستندسازی مستقل و فوری از سوی نهادهای بین‌المللی، موجب تأخیر در پیگیری حقوقی و کاهش فشار بین‌المللی شد؛ از این رو، تقویت دیده‌بانی رسانه‌ای و حقوق بشری در زمان وقوع حملات، امری حیاتی است. پیشنهاد می‌شود رسانه‌های بین‌المللی، خبرگزاری‌های مستقل و سازمان‌های حقوق بشری، نقش فعال‌تر و منسجم‌تری در مستندسازی دقیق و بی‌طرفانه نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه علیه نهادهای رسانه‌ای و خبرنگاران ایفا کنند. این مستندسازی شامل جمع‌آوری شواهد عینی، گزارش‌های تفصیلی و گزارش شاهدان عینی است که می‌تواند مبنایی برای پیگیری‌های حقوقی و افزایش پاسخگویی در سطح بین‌المللی باشد.
- **فعال‌سازی دیپلماسی رسانه‌ای برای آگاهی‌بخشی:** صداوسیما، به‌عنوان قربانی مستقیم حمله، باید نقش فعالی در دیپلماسی رسانه‌ای ایفا کند و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی، افکار عمومی جهانی را درباره نقض حقوق بشردوستانه آگاه سازد. ضروری است رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما و سایر نهادهای رسانه‌ای ملی و بین‌المللی، با همکاری نهادهای مدنی و حقوقی، کارزارهای آگاهی‌بخش گسترده‌ای را در سطح جهانی راه‌اندازی کنند. این کارزارها باید بر تبیین وضعیت حقوقی خبرنگاران و نهادهای رسانه‌ای در مخاصمات مسلحانه، برجسته‌سازی نقش حیاتی آن‌ها در اطلاع‌رسانی و افشای نقض حقوق بشردوستانه، و بسیج افکار عمومی برای حمایت از مصونیت رسانه‌ها و حق مردم بر دانستن تمرکز داشته باشند.



- **ایجاد و حمایت از صندوق‌های بین‌المللی بازسازی رسانه‌های آسیب دیده:** با توجه به تخریب زیرساخت‌های رسانه‌ای در مناطق درگیر جنگ، توصیه می‌شود سازوکارهای لازم برای تأسیس یا حمایت از صندوق‌های بین‌المللی (تحت نظارت سازمان ملل یا نهادهای معتبر بین‌المللی) فراهم آید. هدف این صندوق‌ها، تأمین مالی برای بازسازی و تجهیز مجدد زیرساخت‌های رسانه‌ای آسیب‌دیده و تضمین تداوم فعالیت‌های اطلاع‌رسانی در شرایط بحران است.

- **توسعه و اجرای پروتکل‌های امنیتی برای خبرنگاران:** با توجه به افزایش حملات هدفمند به فعالان رسانه‌ای، پیشنهاد می‌شود با همکاری سازمان‌های بین‌المللی و اتحادیه‌های خبرنگاران، پروتکل‌های امنیتی استاندارد و عملیاتی برای خبرنگاران و گروه‌های رسانه‌ای در مناطق پرخطر و درگیری‌های مسلحانه تدوین و اجرا شود. این پروتکل‌ها باید شامل آموزش‌های تخصصی ایمنی، تجهیزات حفاظتی لازم و راه‌های ارتباطی اضطراری باشند.

- **پیگیری حقوقی جنایات جنگی رژیم صهیونیستی در مراجع داخلی و دیوان کیفری بین‌المللی:** بی‌کیفرماندن رژیم صهیونیستی در حمله به رسانه‌ها (در اینجا به‌طور خاص حمله به سازمان صداوسیما) باعث خواهد شد تا احتمال تکرار آن بیشتر شود. با توجه به عدم‌پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایران و رژیم صهیونیستی، می‌توان به‌صورت موردی به این دیوان برای مدت ۱۲ روز جنگ تحمیلی، صلاحیت داد تا به جرائم رخ داده در این مدت رسیدگی کند. همچنین مراجع داخلی نیز می‌توانند با رسیدگی به این جرائم، تعقیب و اجرای محکومیت‌های جنایت‌کاران جنگی را از نهادهای بین‌المللی از جمله پلیس اینترپل خواستار شوند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- بررسی تأثیرات روانی و اجتماعی بلندمدت حملات به رسانه‌ها بر جوامع درگیر جنگ.
- تحلیل تطبیقی رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی در برخورد با پرونده‌های مشابه هدف قرار دادن نهادهای رسانه‌ای.

حمله به سازمان صداوسیما، نه تنها نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بلکه حمله‌ای به شفافیت، اطلاع‌رسانی و وجدان عمومی جهانی بود. این مقاله با تحلیل حقوقی دقیق و مستند، تلاش کرد تا ابعاد حقوقی چنین حملاتی را روشن سازد و راهکارهایی برای پاسخگویی،



جبران خسارت و پیشگیری از تکرار آن‌ها ارائه دهد. تقویت حمایت‌های حقوقی از نهادهای رسانه‌ای، تضمین‌کننده بقای حقیقت در زمان جنگ و دفاع از حق مردم برای دانستن است.

تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل یک پژوهش مستقل است که توسط نویسندگان انجام شده و تحت حمایت هیچ سازمانی قرار نداشته است. همچنین مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه، رساله یا طرح پژوهشی خاصی نمی‌باشد. همچنین در ویرایش زبانی و ترجمه چکیده انگلیسی از ابزارهای کمک‌نگارشی استفاده شده و مسئولیت نهایی صحت متن بر عهده نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در خصوص انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی، از جمله سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر و همچنین، سیاست مجله در قبال استفاده از هوش مصنوعی از سوی نویسندگان رعایت شده است.

فهرست منابع

- Akande, D., & Shany, Y. (2022). *The Oxford Guide to International Humanitarian Law*. Oxford University Press.
<https://doi.org/10.1093/oso/9780198855309.001.0001>
- Babran, S. (2025). *The Impact of New Media on the Evolution of International Humanitarian Law Rules*. Tehran: Shahed University Press. [In Persian]
- Chinkin, C., & Kaldor, M. (2020). *International Law and New Wars*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781316759868>
- Crawford, J. (2002). *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries*. Cambridge University Press.
- Dahal, P. (2021). Protection of journalists in armed conflict: An insight from the perspective of international humanitarian law. *Social Science and Humanities Research*, 4(6), 1–10. <https://doi.org/10.5281/zenodo.6860198>
- D'Alessandro, L. (2022). *The Principle of Distinction in Modern Warfare*. Oxford University Press, 230-235.
- De Frouville, O. (2022). International Human Rights Law and International Humanitarian Law. In *Oxford Handbook of International Law*. Oxford University Press, 1280-1285.
- Dinstein, Y. (2016). *The conduct of hostilities under the law of international armed conflict* (3rd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.

- Ebrahim-Gol, A. (2024). *International Humanitarian Law in Contemporary Armed Conflicts*. Tehran: Shahr-e-Danesh. [In Persian]
- Hashemi Shahrudi, S. M., & Mirzaamaji, M. (2024). Comparative Study of Humanitarian Law for Civilians in International and Non-International Armed Conflicts. *Strategic Political Quarterly*, 8(4), 204-218. [In Persian]
DOI: [10.22034/as.2023.185264](https://doi.org/10.22034/as.2023.185264)
- Henckaerts, J. M., & Doswald-Beck, L. (2005). *Customary International Humanitarian Law*. Cambridge University Press.
<https://www.icrc.org/en/doc/assets/files/other/customary-international-humanitarian-law-i-icrc-eng.pdf>
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (1987). *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949*. Martinus Nijhoff Publishers.
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (2005). *Customary International Humanitarian Law, Volume I: Rules*. Cambridge University Press.
- International Committee of the Red Cross. (2020). *International humanitarian law: A comprehensive introduction*. Geneva: ICRC.
<https://www.icrc.org/en/publication/4231-international-humanitarian-law-comprehensive-introduction>
- International Committee of the Red Cross. (2023). *Protecting civilians in urban warfare: Current challenges and practices*. ICRC Publications.
- International Criminal Court. (2002). *Rome Statute of the International Criminal Court*. United Nations.
- International Law Commission. (2001). *Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts, with commentaries*. United Nations.
- International Law Commission. (2001). *Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts: Text and commentary* (A. Ebrahim-Gol, Trans.). Tehran: Shahr-e Danesh Legal Research Center. (Original work published 2001, Persian translation published 2024).
- Jafari, M., & Asadi, A. (2018). Protection of Civilians in Armed Conflicts from the Perspective of International Humanitarian Law and Islamic Jurisprudence. *Public Law Studies Quarterly*, 48(3), 545-565. [In Persian]
- Khosroabadi, M. (2022). Legal Analysis of Military Attacks on Media Centers in Light of International Humanitarian Law Rules. *Islamic Government Legal Studies*, 5(1), 55-72. [In Persian].
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.27171124.1401.5.15.4.3>
- Melzer, N. (2016). *International humanitarian law: A comprehensive introduction*. Geneva: ICRC. <https://shop.icrc.org/international-humanitarian-law-a-comprehensive-introduction-2571.html>
- Milanovich, M. (2020). *The Law of International Armed Conflict: A Practitioner's Guide*. Oxford University Press.
- Mohammadrezaei, A., Moradi, H., & Asarkhani, A. M. (2020). Evolution of the Concept of Military Objectives in International Humanitarian Law: Focusing on Cyber and Media Attacks. *Security Horizons (Afagh-e-Amniyat)*, 13(48), 55-80. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/as.2020.13840>

- Morgan, F. E., & Cohen, R. S. (2020). *Military trends and the future of warfare: The changing global environment and its implications for the U.S. Air Force*. RAND Corporation. <https://doi.org/10.7249/RR2714>
- Nematpour, A., et al. (2021). Legal Dimensions of Protecting Civilian Infrastructure in Modern Cyber Conflicts. *Journal of Applied Legal Studies*, 10(2), 45-68. [In Persian]
- Reporters Without Borders. (2020). *2020 World Press Freedom Index: Entering a decisive decade for journalism*. RSF.
- Roberts, A. (2022). Proportionality and Civilian Casualties in Modern Conflict. *Journal of International Humanitarian Legal Studies*, 13(1), 35-50. <https://doi.org/10.1163/18781527-bja10045>
- Romano, S. P. (2024). Cyber Warfare and Ethical Frontiers: Elevating Conflict to the Digital Frontline of Global Struggles. In *Mind, Body, and Digital Brains* (pp. 231–252). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-50852-3_11
- Sadeghi, Z., & Arabiyan, M. J. (2022). Challenges of adapting the governing principles of armed conflicts to cyber attacks. *Journal of Legal Studies in Cyberspace*, 1(2), 73–86. [In Persian]
- Sasouli, M. (2024). *International Humanitarian Law: Rules, Controversies, and Solutions to Problems Arising in Warfare* (2nd ed.). Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781800886919>
- Sharifi Tarazkouhi, H., Zamani, G., & Yaghoubi, M. (2022). Legal Analysis of Protecting Civilian Places in Modern Armed Conflicts. *Journal of Legal Research*, 21(49), 15-35. [In Persian]
- United Nations Human Rights Council. (2024). *Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression* (UN Doc. A/HRC/59/50). United Nations.
- United Nations Security Council. (2006). *Resolution 1738 (2006) (S/RES/1738)*. United Nations.
- Watkin, K. (2021). Proportionality and Distinction: The Indispensable Principles. In *The Oxford Handbook of the Use of Force*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/law/9780198784050.003.0026>
- Weller, M. (2022). The Status of Media Professionals in Armed Conflict. *International Law Studies*, 98(1), 15-40. <https://doi.org/10.18278/ils.v98.1.2>
- Ziaei Bigdeli, M. R. (2024). *Public international law* (82nd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh Publications. [In Persian]